



<http://www.arianaafghanistan.com>



۲۰۶۱/۹/۲۰

م، نعیم بارز

قابل توجه محترم آقای قاسم باز!

با وجودی که من در برابر نوشته قبلی شما گفته بودم در همچو مسایل دیگر نخواهم پرداخت، اما این بار روش خوب تان مرا واداشت تا نوشته شما را بی پاسخ نگذارم به خصوص که یک مقدار تفاوت در دیدگاه موجود است، فرار از آن به هیچ وجه درست و مناسب نخواهد بود. بلی به چند نکته اشاره می کنم:

۱ - این بار سبک و سطح و سویه نوشته، با دیگر نوشته های که زیر اسم قاسم باز خوانده ام یک مقدار متفاوت به نظر می آید، که نه تنها من چنین فکر می کنم بلکه بعضی دوستان دیگر که بیشتر از من به خصوصیات کار نویسندگان محترم سایت «افغان جرمن» آشنا هستند، یگان نوشته محترم قاسم باز را به شخص دیگری نسبت می دهند. بهر حال مطالبی که بنام آقای قاسم باز به آدرس اینجانب رقم یافته به آن می پردازم.

۲ - در حال قبول می کنم که نوشته ای در بخش نظر خواهی و اکنون مقاله ای در بخش تحلیلات به آدرس اینجانب که به نام محترم قاسم باز نشر شده است. آقای قاسم باز اگر من در نوشته نخست شما شک و اشتباه کرده باشم که گویی نوشته از شما نبوده و به نام شما کسی دیگری نوشته است، در همچو موارد شک و اشتباه کردن آن طوریکه خود در پراگراف اول و سطر آخر ذکر نموده اید. جا ندارد که بگوئید من نسبت به شما «مرتکب توهین و اشتباه بزرگ شده» باشم. شک من و دیگران از منطق به دور نیست، زیرا حتی در همین نوشته شما که در اینجا مورد بحث من هست، چند سطر را خوب و نسبتاً با سویه می بینم ولی چند سطر دیگری را در بازی و استهزا به اصطلاحات پشتو «دغسی او پغسی و این چیز ها که اصلاً چیزی به غیر از تمسخر و توهین به لسان پشتو مفهوم دیگر ندارد . . .»

بنا بر آن از این نوع طرز نوشته های تان خود هم معترف هستید که گویا توبه کرده و قبلاً به قول خود تان به مدیریت «افغان جرمن» نیز تعهد سپرده اید که دیگر با این نوع نوشته ها سبب آزار و اذیت کسی نمی شوید. اما معلوم شد که باز هم قول و قرار تان را شکسته و بی مورد به انتقاد از نوشته من تحت و عنوان (پرسیده اند جمهوریت، شاهی، یا حاکمیت های ایدئولوژیک، دینی - مذهبی) پرداخته اید. آخر من نمی دانم چرا خود را در انتظار همه تا این حد در ضدیت و به اصطلاح خار چشم معرفی می کنید؟

۳ - در باره داوود خان و پیمان شکنی اخلاقی، سیاسی و دینی وی، باید بدانید که داوود خان از وفاداری خود نسبت به رژیم شاه سوگند یاد کرده بود نه به مقام خود که تا در آن مقام باشد سوگند برجاست و هر گاه از قدرت بیفتد دیگر

پای سوگند و حلف وفا داری در میان نباشد هر چه دل قدرت طلب وی خواست برای رسیدن مجدد به آن دریغ نورزد. بلی با این درک داوود خان کودتا کرد که در نتیجه کودتا، گذشته از ویرانی و آوارگی میلیون ها افغان تا امروز از پیکر ملت خون جاری است.

۴ – نتیجه سوگند شکنی، توسل به عمل خشونت زا و کودتا چیزی جز قانون شکنی و برهم زدن صلح و امنیت نسبی مردم و بی اعتبار ساختن دولت نزد دول و مردم جهان مفهوم دیگری نداشته و ندارد. کشور عراق را در نظر بگیرید با کودتا های پیهم کار به جایی رسید که امروز در حال تجزیه و انقراض قرار گرفته و همین طور کشور لیبیا و همچنان بکار بردن خشونت بشار اسد علیه مردم سوریه که آن کشور به خاک و خون یکسان شده و مورد تسلط ایران و روسیه قرار گرفته و به میدان رقابت شرق و غرب مبدل گردیده است.

۵ – آقای قاسم باز شما تقریباً به این مفهوم از من پرسیده اید: وقتی داوود خان علیه رژیم شاه کودتا به راه انداخت آیا شما و مردم در برابر آن قرار گرفتید و کدام فیر تفنگ ساچمه ای و گولک . . . نمودید؟

جناب محترم من به غیر از کارد پیاز بری نه «تفنگ ساچمه ای و نه گولکی با خود داشتم و نه در آن وقت هیچ یک تشکل ملی و اتحادیه و سندیکا وجود داشت که اقلاً مردم را در مخالفت با آن به اعتصاب و تظاهرات دعوت می کرد، لذا کدام منطق اجازه می دهد که انسان با دست خالی خود را در برابر توپ و تانک کودتا چی ها قرار دهد، آیا اگر من و دیگران با دست خالی در برابر کودتاچی های مسلح ایستاد می شدیم غیر از عمل خود کشی چیزی دیگری نصیب ما می شد؟

۶ – آقای قاسم باز شما به نقل از داوود خان نوشته اید « اگر برای آزادی افغانستان به جانم مالم و اولادم ضرورت بیفتد به یقین بدانید که حاضر هستم»

بلی او از عدم شناخت اوضاع عینی و ذهنی جامعه افغانستان و شرایط منطقه و جهان نه تنها جان خود و زن و فرزند خود و بسی مردم را به کشتن داد بلکه با آن آرزوی موهوم و خیال خام «آزادی» پیامد آن کشور را تا امروز به مسلخ مبدل ساخته است.

۷ – در قسمت دو سه پراگراف آخر نوشته تان که تکرار همان نوشته اول تان می باشد. شما باید اظهار نظر بین سیاست، عدالت، قضاوت و داوری را بدانید. من و هر فرد افغان راجع به موضع سیاسی داوود خان و هر رهبر سیاسی دیگر حق اظهار نظر را داریم ولی داوری و قضاوت در باره اعمال کودتاچی ها و افراد ملکی حق قضاوت و تعیین مجازات را نداریم، این از وظایف نهاد های عدلی و قضایی است که مطابق به اسناد و شواهد به اعمال هر یک متهمین بپردازد.

در آخر از بکار بردن کلمات احترام آمیز شما نسبت به خود تشکر می کنم اما ناگفته نباید گذاشت که نوشته تان کمی آلوده به استهزا و توهین است، آرزو مندم در آینده از سوی هر دو طرف همچو مسایل تکرار نشود.

پایان